

بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



مارس 2024 - اسفند 1402

شماره 99

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<https://t.me/nahadhayehambastegi>



نهادهای همبستگی
با جنبش کارگران در ایران



آزادی زن،
آزادی جامعه است!

تشکل یابی زنان کارگر بخشی از روند متشکل شدن کل طبقه کارگر در ایران است. آنچه محرز است این است که کارگران، برای پیشبرد مطالبات و هدف های خود، به تشکل های مستقل (از کارفرما و دولت) نیاز دارند که از درون و به نیروی خودشان ایجاد شوند.

تا جایی که به تشکل یابی زنان کارگر به شکل عام مربوط است، این امر تنها به کارگران زن شاغل محدود نشده بلکه شامل زنان خانه دار طبقه کارگر هم می شود.

۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد!

برابری حقوقی زن و مرد، تحت هر گونه رژیم سیاسی که صورت گیرد، چنانچه با حفظ مناسبات اقتصادی موجود همراه باشد، نمی تواند تحولی تعیین کننده در موقعیت اکثریت زنان ایران ایجاد کند. امکان بهره مندی اکثریت زنان یعنی زنان کارگر و زحمتکش از حقوق مدنی، به تحقق مطالبات رفاهی و غلبه بر نابرابریهای مادی یعنی به تحول اقتصادی وابسته است. مبارزه جاری زنان در ایران برای حقوق فردی و اجتماعی برابر بدون مبارزه برای الغای نابرابریهای مادی و تغییرات بنیادی به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

جنبش زنان در ایران برای رهایی از مناسبات نابرابر اجتماعی ضروری است که در کنار نیرو و جنبش متحدی قرار گیرد که هم قدرت تحمیل خواستههای رفاهی، هم ظرفیت کسب آزادی و هم چشم انداز پایان دادن به مناسبات سرمایه داری را داشته باشد، و به این اعتبار جنبش زنان علیه تبعیض جنسی و کسب آزادی و برابری به مبارزه طبقاتی کارگران پیوند میخورد.

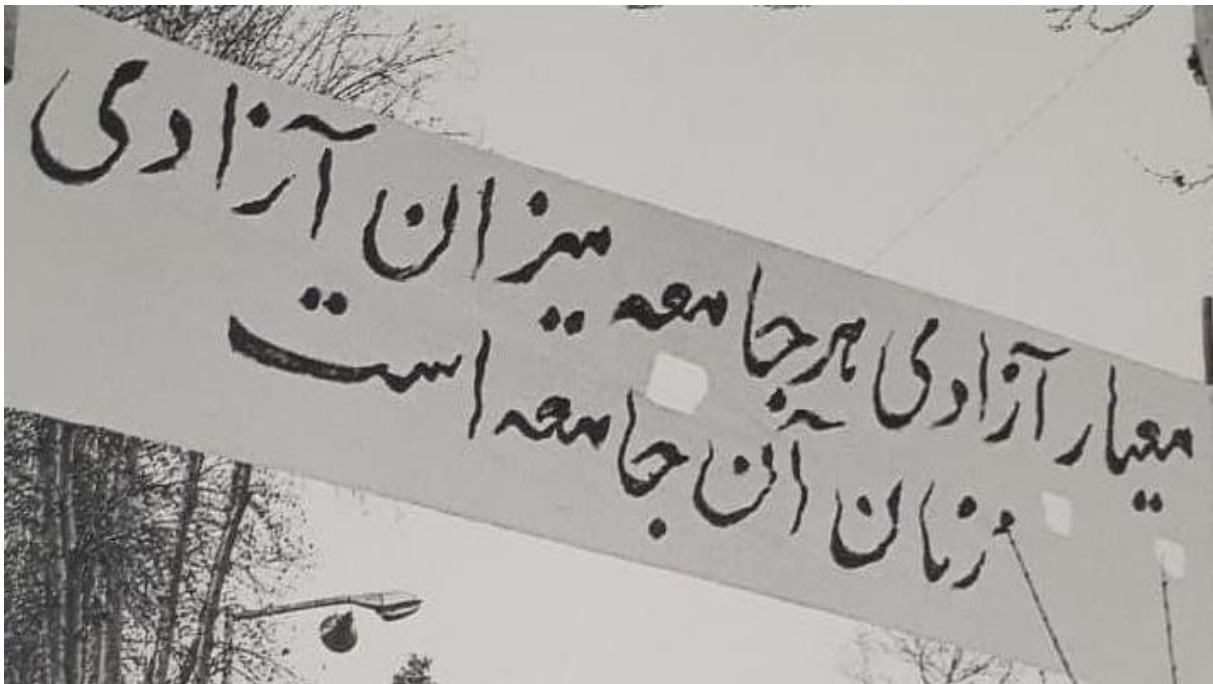
اتحاد و همبستگی و متشکل شدن ضرورت امروز نیروی اجتماعی زنان برای دست یافتن به برابری و عدالت اجتماعی است. زنان با حضور سرنوشت ساز خود در عرصه یک مبارزه اجتماعی در جامعه زمینه ایجاد تشکل های توده ای در جنبش عمومی زنان را فراهم می کنند. از سوی دیگر، زنان کارگر هم نه تنها در محل کار بلکه در، محله و خیابان و همه فضاهای مبارزه حضور دارند. این زنان علاوه بر تشکل های کارگری که شامل کارگران زن و مرد خواهد بود، نیاز به تشکل های ویژه خود هم دارند. ایجاد تشکل های ویژه زنان بهیچ وجه به معنای جداسازی زنان از جنبش کارگری نبوده بلکه تنها به معنای در نظر گرفتن ویژگی های بخشی از طبقه کارگر خواهد بود.

۸ مارس را به تمام زنان و مردان مبارز و انقلابی تبریک گفته، و یاد تمام زنان و مردان مبارزی که در راه آزادی و برابری بدست ارتجاع حاکم جان باخته اند و در میان ما نیستند گرامی میداریم!

زنده باد ۸ مارس!

پیش بسوی ایجاد تشکلهای مستقل زنان کارگر!

پیش به سوی تشکل سراسری زنان!



زنان در اسارت کار خانگی

کار خانگی یکی از عوامل بسیار مهم اسارت زنان در نظام سرمایه داری است و از آنجائی که در متن نهاد خانواده صورت می گیرد، یکی از ارکان بسیار مهم حفظ این نهاد و در نهایت تولید و بازتولید نظام سرمایه داری محسوب می گردد. کافی است توجه کنیم که نیروی کار لازم برای تولید سرمایه داری در خانواده به وجود می آید و نخست در این نهاد تربیت می شود. اما بازتولید نظام سرمایه داری، چنان که خواهیم دید، تنها بازتولید نیروی کار نیست. بررسی کار خانگی در واقع با بررسی وضعیت زنان و به ویژه زنان متأهل در هم تنیده است.

نظم نوینی که پس از انقلاب صنعتی با افزایش جمعیت و تحرک بیش تر آن به گسترش ارتباطات و تخصصی شدن کار، منجر گردید زندگی خانوادگی و کار را از هم جدا ساخت. این امر دگرگون شدن نقش زن و مرد در خانواده را در پی داشت. با صنعتی شدن، خانه دیگر نه محل کار، بلکه محل زیست خانواده شد. این روند زن را به زن خانه دار، نان خور و وابسته مرد، و مرد را نیز به نان آور خانواده تبدیل کرد. ولی مراحل پیشرفته تر روند صنعتی شدن و تکامل بیشتر سرمایه داری زنان را نیز بیشتر و بیشتر به کارگران مزدی در مؤسسات سرمایه داری تبدیل کرد. در این جوامع، فعالیت مولد اقتصادی در مقیاس بزرگ در سازمان هایی خارج از خانواده متمرکز است و فعالیت غیر مولد (از نظر اقتصادی) محدود به خانه است و به وسیله زنان به طور اعم و زنان

کارگران جهان متحد شویم!

خانه دار به طور اخص انجام می شود. در واقع کار خانگی، دو چیز متضاد یعنی کار مزدی و خانه را در جوامع مدرن با یکدیگر آشتی می دهد. مفهوم زندگی خانوادگی حول یک چهاردیواری خصوصی به شکل منفرد و منزوی، ارزش اجتماعی مهمی محسوب می گردد، کودکان نقش محوری در خانه دارند و رسیدگی به آنان کاری اساسی و مهم را تشکیل می دهد.

از سوی دیگر در جامعه سرمایه داری زنان نیروی ذخیره کارند که می توان آنان را به تناسب شرایط اقتصادی همچون کارگران مزدی بسیج کرد و یا به خانه راند. بهترین مثال در این باره به کار گماردن زنان در جریان جنگ جهانی اول و بازگشت آنان به خانه ها در فاصله میان دو جنگ و استفاده از نیروی کار ارزان آنان در دوره های رونق اقتصادی است. چرا که به زنان مزد کم تری پرداخت می گردد و زنان خانه دار علاوه بر بازتولید نیروی کار، نسل آینده را نیز با کار رایگان خانگی می پرورند. این واقعیت مهم به سادگی به دست فراموشی سپرده می شود که کار خانگی باری جانفرسا بر دوش اکثریت قریب به اتفاق زنان، به ویژه زنان شاغل، است. حتی هنگام بررسی ستم مضاعف بر زنان، ذکری از اینکه زنان شاغل به دو کار اشتغال دارند، نمی شود.

به دلیل آنکه کار خانگی کاری شخصی است از تمام انواع دیگر کار متمایز است و مرز آن به سبب ادغام با مجموعه نقش های خانگی و خانوادگی که وضعیت زنان و نیز وضعیت زنان خانه دار را مشخص می کند، مخدوش است. انزوای کار خانگی به لحاظ فیزیکی به این معنا که هر زن خانه دار در خانه خود تنهاست، سبب می شود تا کار خانگی دارای ویژگی «خود تعریف شده» باشد. مثلاً می توان شست و شوی لباس ها را پس از چند روز یا چند هفته انجام داد یا خانه را هر روز یا یک بار در ماه نظافت کرد، حقیقت مسأله اما به گونه ای دیگر است. هرچند محدوده هنجار و عادی بودن کار خانگی معین نیست ولی باید در نظر داشت که به طور عمومی این کار بار گرانی است بر دوش زنان. تاکنون هیچ مؤسسه ای هم برای تعیین معیارهای کار خانگی در جهان وجود نداشته است.

هیچ سازمانی نیز از منافع زنان خانه دار دفاع نمی کند. ولی می دانیم که قوانین نانوشته بسیاری بر عملکرد کار خانگی زنان نظارت دارند، قوانینی که کوچکترین تخطی از آنها، کل هویت زنانه خدمت رسانی را، که با هزاران بند نامرئی از سوی جامعه مبتنی بر ستم و تبعیض بر زنان تحمیل می کند، متزلزل می سازد. قوانینی که بر گرد عقب مانده ترین خواسته های ضد آزادی زن می گردند. تصویر اجتماعی زن، یعنی نقش همسری و مادری او را نمی توان از نقش زن در مقام خانه دار تفکیک کرد. زن خانه دار در واقع اصطلاحی است جامع و در برگیرنده برای همسر و مادر. جامعه از زنان انتظار دارد که در تمامی این نقش ها کمال جو باشند. ممکن است برخی حامیان وضع موجود که به طبقات حاکم متکی اند ادعا کنند که زنان خود خانه داری را دوست دارند، آنها هم که این کار را دوست ندارند، می توانند به سراغ کار دیگری بروند. اما موضوع این نیست که زنان چه چیزی را دوست دارند، بلکه مسأله این است که وادار به دوست

کارگران جهان متحد شویم!

داشتن چه چیز می شوند و فرهنگ حاکم سرمایه داری آنان را از دوست داشتن چه چیز باز می دارد و باور به توانستن را از آنان سلب می کند. بسیاری از زنان تحت تأثیر مناسبات ظالمانه حاکم انتخاب دیگری ندارند. برای همین به خود می قبولانند که کار خانگی و رسیدگی به شوهر و فرزند را عاشقانه دوست دارند.

یکنواختی و انزوای کار خانگی، زنان را مستعد ابتلا به بیماری های گوناگون می سازد که بسیاری آن را «بیماری خانه داری» نامیده اند. رخوت، ضعف، حمله های عصبی، تپش قلب و سرگیجه از آن جمله است. حاصل کار خانگی نه تنها تولید نسلی جدید برای کار است، بلکه روزانه جسم و روح درمانده انسان هایی را که از کار روزانه فرسوده شده اند، بازتولید می کند. بار این کار طاقت فرسا بدون تردید بر دوش زنان است، کاری که انجام آن مستلزم صرف وقتی است که تمام زندگی زن را دربر می گیرد. تأکید بر رضایت زنان از خانه داری توجیه موقعیت فرودست زنان در جامعه طبقاتی است.

کار خانگی زنان موارد پیچیده و گسترده ای را دربر می گیرد. علاوه بر تقسیم جنسیتی کار و فرمانبرداری زن در خانه و نیز در اجتماع، توان سیاسی زنان را اتمیزه می کند و در مبارزات و فعالیت های سیاسی - اجتماعی، آنان را حذف می کند. تسری این تقسیم جنسیتی کار به جامعه باعث محدود کردن مشاغل، تحصیل و مزد نابرابر زنان به بهانه عدم مهارت زن به عنوان نیروی کار دست دوم می شود، به عبارتی تقسیم جنسیتی کار در قلمرو تولید اجتماعی بازتولید می شود. مهم تر از همه، به واسطه خدمات کار خانگی است که نظام کار مزدی می تواند به حیاتش ادامه دهد. همه نیروهای واپسگرا و استثمارگر جامعه که از این کار رایگان منتفع می شوند از نظر ایدئولوژیک سعی در تقدس بخشیدن به این عرصه خصوصی دارند؛ عرصه ای که ریاست آن را جامعه برعهده مردان خانواده گذاشته و زنان را در چهارچوب آن اسیر نظارت و تصمیم گیری مردسالارانه کرده است. خانه و خانواده در همان حال که خود قربانی این مناسبات اند، در ترویج و جاودانه کردن ایدئولوژی حاکم نیز نقش اساسی دارند.

کار خانگی شامل چه کارهائی است؟

- انجام کارهای خانه (مانند پخت و پز، شست و شو، رفت و روب و غیره)
- پرورش و تربیت فرزندان
- خرید و تهیه وسایل روزمره زندگی (مانند خوراک و پوشاک و غیره)
- اجرای خرده فرمایشات تقریباً دائمی شوهر
- نگه داری از پیران و بیماران و معلولان
- انجام کارهائی برای کسب درآمد بر حسب وضعیت خانواده (مانند خیاطی در خانه و یا پاک کردن سبزی در مقابل مزد و غیره)
- کار خانگی زنان همچنین دارای ویژگی های عملی و اقتصادی متعددی است:
- بر سایر نقش های زن در جامعه تقدم و اولویت دارد.
- آن را انحصاراً یا اساساً زنان انجام می دهند و نه بزرگ سالان هر دو جنس.
- وابستگی اقتصادی زن خانه دار به شوهر خود و در صورت طلاق یا فقدان شوهر به خانواده پیشین خود.

- زن از کار خانگی، از جمله بچه داری، استراحت، مرخصی و تعطیلی ندارد چه در خانه باشد یا در مهمانی و سفر.
- کار در خانه اگر به منظور کسب درآمد صورت نگیرد «کار» محسوب نمی شود، زیرا به صورت رایگان انجام می شود و مزدی در ازای آن پرداخت نمی گردد.
- زن خانه دار در جامعه سرمایه داری، نقش اقتصادی غیر مستقیم دارد. زیرا او نه خود مستقیماً نیروی کار، بلکه در خدمت بازتولید ارزان تر نیروی کار مرد برای سرمایه و پرورش نسل آینده نیروی کار برای آن است.
- در واقع بنا بر تعاریف اقتصادی رایج، کار خانگی پست ترین و حاشیه ای ترین کارها به حساب می آید. در واقع خانه دار بودن که به معنای کناره گیری از فعالیت اقتصادی محسوب می شود، نشانه نوعی محرومیت اجتماعی است.

تابعیت زن شکلی از ستم است که از جامعه طبقاتی سرچشمه می گیرد و چون در خدمت منافع سرمایه داری است، تاکنون دوام آورده است. تا زمانی که زن محدود به کار خانگی یعنی عرصه خصوصی است، از کار مولد اجتماعی برکنار است و در مقیاس اجتماعی و در حد وسیع در آن سهم نیست. ورود زنان به عرصه کار غیر خانگی و اجتماع و هنگامی که تکالیف خانگی فقط جزء کوچکی از توجه را لازم داشته باشد و عملاً کار خانگی خصوصی به یک صنعت عمومی بدل شود، نقطه مقابل اسارت تمام وقت زنان در بند کار خانگی است.

هرچند انتقال یک رشته از کارهای خانگی مانند بچه داری، آشپزی، نظافت و غیره یا بخشی از آنها به مؤسسات بیرون از خانه تا حدی بار سنگین کار خانگی را از دوش زنان برمی دارد اما باز هم بار اصلی کار خانه بر دوش زنان است. علت این امر آنچنان که گفته شد فشار نظام سرمایه داری برای کاهش هرچه بیشتر هزینه تربیت نیروی کار و نیز استثمار مضاعف زنان است. یک عامل مهم تداوم این وضعیت حفظ و ترویج این ایده است که زنان از مردان پائین ترند و برای «کارهای پست» ساخته شده اند. در این زمینه فرهنگ های عقب مانده و ارتجاعی پیش از سرمایه داری نیز در خدمت سرمایه داری قرار می گیرند. نظام سرمایه داری با گسترش و عمومی کردن استثمار کار مزدی و بنابراین استثمار کار مزدی زنان کارگر، زمینه های مادی استقلال اقتصادی زنان را فراهم می کند، اما نتایج این استقلال اقتصادی را که برابری کامل زن و مرد در تمام عرصه های حقوقی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و نیز برداشتن بار کار خانگی از دوش زنان است، نمی تواند بپذیرد.

بدین سان نظام سرمایه داری به اشکال و شیوه های عقب مانده و نیز به ایدئولوژی های واپسگرا متوسل می شود. اما دگرگونی تقسیم کار در خانواده و جامعه و رفع تبعیض و ستم علیه زنان، در گرو مبارزه بی امان طبقاتی و ضرورت درهم کوبیدن بساط ستمگرانه حاکم است. سازماندهی و تدارک این امر انقلابی بیش از هر چیز مستلزم همگامی فعال زنان و مردان آگاه و مبارز، به ویژه زنان کارگر است.

تشکل یابی زنان کارگر در ایران، مقتضیات و شرایط ناظر بر آن

سارا سالمی - ۱۰ مارس ۲۰۲۴

مقدمه

صحبت من بر سر تشکل یابی زنان کارگر در ایران، مقتضیات و شرایط ناظر بر آن است. این مبحث نه از منظر انتزاعی، ایدئولوژیک و "جانبدارانه" بلکه در وجه کنکرت و بر اساس داده هایی که شرایط زنان کارگر در ایران را تعیین می کند، ارائه می شود. به این معنا صحبت نه از انتخاب های از پیش انجام گرفته بلکه از مقتضیاتی است که به چارچوب اقتصاد سیاسی زنان در ایران، در وسیع ترین سطح، مربوطند. بر این هم باید تاکید کنم که تشکل یابی زنان کارگر بخشی از روند متشکل شدن کل طبقه کارگر در ایران است. آنچه محرز است این است که کارگران، برای پیشبرد مطالبات و هدف های خود، به تشکل های مستقل (از کارفرما و دولت) نیاز دارند که از درون و به نیروی خودشان ایجاد شوند.

تا جایی که به تشکل یابی زنان کارگر به شکل عام مربوط است، این امر تنها به کارگران زن شاغل محدود نشده بلکه شامل زنان خانه دار طبقه کارگر هم می شود. بنابراین به دو نوع تشکل یابی اشاره می کنم: تشکل یابی در محیط کار یا تشکل حرفه ای، و تشکل یابی در محیط و محل زندگی.

در مبحث تشکل یابی حرفه ای، با توجه به آنچه که در ابتدا گفته شد، به عواملی از جمله اشتغال نیروی کار زنان، خصوصیات حقوقی-سیاسی و جامعه شناختی دخیل در موقعیت زنان و همچنین سطح عمومی تشکل یابی کنونی نیروی کار در ایران اشاره می کنم.

وضعیت اشتغال زنان در ایران

بر طبق ارقام مربوط به شاخص های نیروی کار در سال ۱۴۰۱ نرخ مشارکت اقتصادی زنان رقمی نزدیک به ۱۴ (۱۳/۸) درصد و نرخ اشتغال زنان حدود ۵.۱۱ درصد است. و البته در این آمار و ارقام حرفی از حوزه غیر رسمی که تقریباً هیچ منبع قابل اتکایی در مورد آن وجود ندارد، نیست.

بنا به این منابع، در حوزه رسمی ۵۳ درصد زنان شاغل در بخش خدمات، ۲۶ درصد در بخش صنعت و ۲۰ درصد در بخش کشاورزی به کار مشغولند. یک سوم زنان عمدتاً در شهرها در استخدام بخش خدمات عمومی (آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و موسسات دولتی) قرار دارند. در بخش خصوصی هم زنان بیشتر در مدارس و خدمات درمانی و شرکتها و همچنین در فروشگاه ها و مغازه ها و اخیراً در کافه ها و رستوران ها به کار اشتغال دارند.

در بخش صنعت، زنان حدود هفت درصد از کارگران شاغل در کارگاه ها و کارخانه های مرکب از ده کارگر به بالا را تشکیل می دهند و تعداد بسیار کمی از آنان کارگران فنی ماهرند. آنان غالباً مشمول جداسازی جنسی اکیدی در محیط کار هستند. این زنان قربانیان اصلی تعدیل نیرو در چند سال اخیر بوده اند. در این بنگاهها مرتباً از تراکم زنان

کارگران جهان متحد شویم!

کارگر کم می شود و آنها به شکل عمده در راس بیکار سازی های سال های اخیر قرار داشته اند. این امر با همه گیری کووید شدت باز هم بیشتری یافت.

به علاوه این که قراردادهای دائم در میان زنان شاغل در این بنگاهها مرتبا کاهش می یابد و اکنون استاندارد استخدام عمدتاً با قراردادهای پیمانی، به شکل روزمزدی یا فصلی است. البته وقتی که حدود ۹۵ درصد نیروی کار در حوزه رسمی با قراردادهای موقت به کار گرفته می شود، تکلیف زنان کارگری که عمدتاً در واحد های کوچک، و به شکل مقاطعه ای کار می کنند روشن است.

اکثر زنان کارگر شاغل صنعتی در کارگاههای کمتر از ده کارگر مشغول کارند، مشمول قانون کار نمی شوند و دستمزدشان از حداقل دستمزد قانونی کمتر است. بسیاری از قراردادهای نیر از نوع سفید هستند. اما کار موقت بی ثبات در میان زنان فقط شامل حال کارگران شاغل در واحدهای کوچک تولیدی و خدماتی نیست، نیمی از پرستاران که بیش از ۸۰ درصد آنها زن هستند در بخش های خصوصی و دولتی با قراردادهای موقت کار می کنند که با واسطه شرکت های پیمانکاری استخدام می شوند.

نابرابری دستمزد در ایران تا جایی است که در مواردی دستمزد مردان به چهار برابر دستمزد زنان برای کار مشابه می رسد. به گزارش مجمع جهانی اقتصاد، ایران از نظر برابری دستمزد دارای رتبه ۱۱۰ در میان ۱۵۶ کشور است.

در روستاها زنان به طور مستقیم در کاشت و برداشت محصولات کشاورزی شرکت دارند و فقط یک درصد از آنها مالک زمین های کشاورزی هستند. در برخی روستاها به ویژه در استان های شمالی تعداد زنان کشاورز بیشتر از مردان است. در عین حال، مزدی که به این زنان پرداخت می شود نسبت به مردان کشاورز بسیار کمتر است علاوه بر زنانی که با مزد کمتری از مردان کار می کنند بسیاری از زنان کار بدون مزد انجام می دهند. براساس آمارهای رسمی نزدیک به دو سوم (۶۲'۳۸) درصد از «کارکنان فامیلی بدون مزد»، زنان هستند. ۷۵ درصد تولید صنایع دستی، ۴۰ درصد تولیدات کشاورزی و ۸۰ درصد صنعت فرش بر عهده زنان است.

کار رسمی و غیر رسمی

اما آنچه در آمارها قید نمی شود مربوط به شغل هایی است که در بخش غیر رسمی یا "زیر پله ای" رواج دارند و زنان بزرگترین بخش آن را تشکیل می دهند. بنا به گزارشی از مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۰ که مربوط به تفکیک اشتغال در بخش های رسمی و غیررسمی است، در سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ از ۴ میلیون و ۳۲۰ هزار زن شاغل در ایران، تنها ۱ میلیون و ۵۸۱ هزار نفر در مشاغل رسمی مشغول به کارند، یعنی ۲ میلیون و ۷۳۹ هزار نفر در مشاغل غیررسمی کار می کنند. یعنی حدود ۶۳/۵ درصد زنان شاغل دارای مشاغل غیررسمی هستند، و طبعاً از هیچ گونه پوشش اجتماعی برخوردار نیستند. از سوی دیگر با این که آمار قابل اتکایی در مورد اشتغال در بخش غیر رسمی وجود ندارد بر طبق تخمین ها بیش از دوسوم کارگران کارگاه های زیرزمینی ایران، زنان هستند.

مشاغل غیررسمی طیف وسیعی از کارهای سخت و طاقت فرسا را شامل می شوند: از کارگری در کارگاه ها و تولیدی های زیرزمینی، پرستاری سالمندان، نگاهداری کودکان،

خدمتکاری و نظافت خانه و محل کار دیگران گرفته تا کار اعلام نشده در رستوران ها، کافه ها، فروشگاه ها، دفاتر پزشکان و وکلا، و یا کارهای دفتری در خانه ...؛ بعلاوه یکی دیگر از فراگیرترین مشاغل غیررسمی دستفروشی در متروها، در کنار پیاده‌روها و خیابان هاست؛ همچنین قطعه کاری در خانه که توسط دلالان و مقاطعه کاران یا مستقیماً توسط کارفرمایان رسمی یا غیر رسمی سازماندهی می‌شوند؛ به این ها باید کولبری در سال های اخیر را هم اضافه کرد. در میان زنانی که در روستاها به کار اشتغال دارند حدود ۸۹ درصد در مشاغل غیر رسمی و ۱۱ درصد در مشاغل رسمی کار می‌کنند.

زنانی که دارای مشاغل غیررسمی اند به راحتی اخراج می‌شوند، در شرایط نامناسب کار می‌کنند؛ به کرات مورد تحقیر، توهین و آزارهای جسمی و جنسی قرار می‌گیرند؛ از امکانات رفاهی و تسهیلات بی بهره اند، و پایین‌ترین نرخ دستمزد از آن‌ان است؛ و روشن است که از قرارداد کار، بیمه درمانی، بیمه بیکاری و بازنشستگی بی بهره اند و تحت حمایت هیچ قانونی قرار ندارند.

بسیاری از این زنان «سرپرست خانوار» بدون پشتوانه های حمایتی هستند. به استناد منابع رسمی تعداد زنان سرپرست خانوار در ایران از پنج میلیون نفر بیشتر شده که درآمد اغلب آنان در بازار کار غیررسمی تامین می‌شود.

بشکل خلاصه، زنان زحمتکش طیف گسترده ای از کارکنان بخش های تولیدی، خدماتی، آموزشی، درمانی، کشاورزی، کارگران پاره وقت و فصلی، رسمی یا غیر رسمی، و همچنین بازنشستگان و بیکاران را در برمی‌گیرند. بیش از دو سوم نیروی کار زنان در مشاغل غیر رسمی متمرکز است.

مشاغل رسمی در کارخانجات بزرگ با نیروی کار مختلط، فقط شامل پنج درصد کل شاغلین زن می‌گردد، و در این مراکز تفکیک کار و مکان فعالیت برای مبنای جنسیت برقرار است. این تفکیک فقط مربوط به انشقاق جنسیتی بازار کار و ملاحظات صرفاً اقتصادی نیست بلکه سیاست اپارتاید و جداسازی جنسیتی متداول در جمهوری اسلامی در آن نقش بازی می‌کند.

عمده مشاغل زنان کارگر در بخش رسمی صنعتی در کارگاهها و کارخانجاتی است که منحصر بر مبنای کار زنان می‌چرخند.

با توجه به همه این عوامل می‌توان نتیجه گرفت که تراکم زنان کارگر در بخش غیر رسمی اقتصاد یا مشاغل غیر رسمی در کارگاه ها، کارخانجات، موسسات و بنگاه های رسمی (چه با قراردادهای سفید و بدون پوشش های حمایتی، چه بدون قرارداد و نام و نشان) است.

تشکل اقتصادی زنان کارگر

با توجه به آنچه گفته شد انشقاق جنسیتی در بازار کار ایران رویه ای غالب است. تا جایی که به این واقعیت اشتغال برمی‌گردد، روشن است که در مشاغل و واحدها و اماکن کار که بر اساس نیروی کار زنان سازمان یافته اند، تشکل کارگری، به اعتبار نیروهای تشکیل دهنده آن، مستقلاً زبانه است.

علاوه بر آن عوامل دیگری نیز هستند که تشکل های مستقل زنان کارگر را ایجاب می کنند، همچون موقعیت سیاسی-حقوقی زن و موقعیت اجتماعی-فرهنگی جامعه: موقعیت حقوقی زن در ایران و رواج قوانین و سنت هایی که جایگاه ثانوی و حاشیه ای برای زن قائلند خود یکی از عواملی است که بر امکان سازمان یابی مستقل زنان کارگر موثر است. این موقعیت که برخاسته از نگرش به زن به مثابه جنس فرودست است و مردسالاری رایج در جامعه را تحکیم و تقویت می کند، می تواند به عنوان عاملی بازدارنده برای فعالیت زنان در سازمان های اتحادیه ای که توسط یا با شرکت مردان بوجود آمده و هدایت می شوند، عمل کند. (طبعاً این بدان معنا نیست که نقش تعیین کننده ای به موقعیت های قانونی و حقوقی داده شود، کما این که در کشورهای نیز که برابری حقوقی میان زنان و مردان موجود است، علاوه بر این که نابرابری واقعی میان آنان همچنان تداوم دارد، مردسالاری هم هنوز از میدان به در نرفته است). باری، واقعیت تداوم مناسبات مردسالارانه در ایران نیازی به اثبات کردن ندارد. چه بخاطر تابوها و کلیشه های جنسیتی در مورد زنان و فعالیت های اجتماعی آنان که توسط قوانین تقویت می شوند، چه بخاطر رویکردهای فرهنگی، دینی و ایدئولوژیک، و چه بخاطر واقعیت تعدد نقش های زنان در خانه و جامعه، بینش و کنش مردسالار در جامعه تداوم یافته و دست بالا دارد.

اگر هدف از متشکل شدن زنان کارگر همچنین توانمند سازی آنان در دفاع از حقوق خود باشد، این امر به سختی می تواند در سازمان هایی که تحت تفوق مردان و فرهنگ مردسالار قرار دارند متحقق گردد. برای توانمند سازی زنان زحمتکش در دفاع از حقوق خود باید فضایی ایجاد گردد که عاملیت آنان را تضمین کند. تشکل های مستقل زنان می توانند ظرف چنین امری باشند.

دشواری ها

از سوی دیگر دشواری هایی در امر این تشکل یابی موجود است که نمی توان آن ها را از نظر دور داشت و باید آنها را در اقداماتی که در راستای تشکل یابی صورت می گیرند در نظر گرفت.

-دشواری های عمومی مانند استبداد و سرکوب: این واضح است که برپایی آزاده سازمان های مستقل کارگری از هر نوع در ایران همچنان با موانع جدی روبروست. در سایه سرکوب و پلیس سیاسی و امنیتی بهای مشارکت های اجتماعی مستقل بویژه برای کارگران بسیار سنگین است.

به هر رو این شرایط در بیشتر کشورهای سرمایه داری به اشکال و نسبت های گوناگون موجود بوده و کماکان هست. از شروع مبارزات اتحادیه ای تا به امروز کارگران با پدیده های اختناق و استبداد سرمایه داران و دولت های حامی آن ها مواجه بوده اند. و مبارزات اقتصادی کارگران از فراز و نشیب های بسیاری عبور کرده و راه های گوناگونی را آزموده است تا آنان در هر شرایطی به اتکای همبستگی سازمان یافته و هدفمند خود به شرایط بهتری از کار و زندگی دست یابند. این را هم باید تاکید کرد که همین مبارزات جمعی برای متشکل شدن خود عاملی در به عقب راندن استبداد بوده و هست.

دشواری هایی که بویژه در مورد زنان موجود است: نتایج حاصل از تقسیم جنسیتی بازار کار ایران و تراکم زنان در ساختارهایی که بلاواسطه شرایط ایجاد و ادامه کاری تشکیل را سخت می کند، از کار بی ثبات از امروز به فردا تا شغل های منزوی بویژه در بخش های غیر رسمی؛ به علاوه معضل جهانی تعدد نقش های زنان و اشتغال مضعاف ناشی از کار خانگی و مسئولیت مادری در کنار اشتغال که وظایف آنان را بشدت سنگین و دشوار می کند. اما تشکل مناسبی که مورد نظر است در عین حال باید بتواند این موانع تا اندازه ای رفع کند، همانگونه که در بسیاری از کشورهای جهان آزموده شده است.

تشکل یابی امری از جنس پراتیک

ایا نوع دیگری از تشکل حرفه ای و اقتصادی بجز تشکل مستقل زاننه برای پاسخگویی به نیازهای دسته های بزرگ زنان کارگر ممکن است، مثل تشکل های کارگری مختلط؟ در چه شرایطی تشکل جداگانه برای زنان تشکیل می شود و در چه شرایطی زنان می توانند به عنوان گروهی مستقل در یک تشکل عمومی کارگری فعالیت کنند؟ این امر میدانی در ارتباط با اوضاع عمومی مربوط به دینامیسم تشکل یابی در جنبش کارگری قرار دارد، و این پراتیک جنبش کارگری است که با توجه به عوامل عینی و ذهنی دیگر انواع این تشکل یابی را تعیین می کند.

در حال حاضر امر تشکل یابی در میان کارگران ایران در این موقعیت قرار دارد که تشکل توده ای مستقل پدیده ای نادر به شمار می رود. با این حال نمونه هایی که از این دست تشکل وجود دارند که می توان به آنها اشاره کرد. به عنوان مثال، در میان آنهایی که شاغلین بخش خود را نمایندگی می کنند می توان به انجمن های صنفی فرهنگیان و ارگان سراسری آنها، شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان، مراجعه کرد، که بشکل طبیعی مختلط و مرکب از فرهنگیان زن و مرد هستند، و شمار زنان نیز در میان آنها بسیار بالاست. پیشبرد مطالبات و بهبود شرایط معلمان زن، از جمله برابری دستمزد، در شرایطی که این تشکل ها مختلط هستند و دارای یک شورای هماهنگ کننده متمرکز هم هستند که در مورد برابری زن و مرد مواضع روشن و اعلام شده ای دارد، می تواند در چارچوب همین تشکل مختلط موجود دنبال شود (حال از طریق ایجاد نهادی در درون خود مختص به زنان معلم و مطالبات آنها، یا به همین شکل فعلی). می توان گفت که در چنین شرایطی که تشکل موجود و بالفعل ظرفیت های پیشبرد خواست های زنان معلم را در خود دارد، ایجاد یک تشکل منحصر به معلمان زن به موازات آن از ضرورتی برخوردار نیست. این شرایط در مورد تشکل های بازنشستگان نیز صادق است.

در واحد هایی که در آنها سندیکاهای مستقل بوجود آمده اند، مانند شرکت واحد یا نیشکر هفت تپه (که در مقطعی با شرکت وسیع کارگران و ارگان های انتخابی شکل گرفتند)، در حال حاضر کارگران زن یا حضور ندارند یا بسیار اندک هستند، و بنابراین تشکل مستقل زنان یا نهاد درونی زنان در سندیکاهای موجود اساساً موضوعیتی ندارد. بنابراین تنها تشکل های حرفه ای مستقل موجود همراه با حضور گسترده زنان در حرفه مربوط، همان انجمن های صنفی معلمان هستند که به شکل طبیعی مختلط اند. تشکل های موجود بازنشستگان نیز در این دسته بندی جای می گیرد.

کارگران جهان متحد شویم!

از سوی دیگر و همچنانکه پیش از این گفته شد، در حرفه ها، مشاغل، کارگاه ها و مراکز تولیدی یا خدماتی که منحصر به نیروی کار زنان می چرخند در صورتی که تشکلی ایجاد گردد طبیعتاً منحصر به زنان خواهد بود. در حوزه غیر رسمی و زیرزمینی نیز که تقسیم حرفه ها و مشاغل عمدتاً بر حسب جنسیت صورت می گیرد چنین امری صادق است. علاوه بر آن در این بخش که شغل های منزوی و قطعه کاری در خانه بسیار رواج دارد و بخش عمده ای از کارگران، از جمله کارگران زن، افزون بر تقسیم جنسیتی بازار کار از تجمع و مکان مشترک کار نیز بی بهره اند به انواع خاصی از تشکل نیاز است.

تشکل های محل زندگی یا تشکل های محله

زن کارگر هم وقتی شاغل است و ارزش اضافه می زاید زن کارگر است و هم وقتی شبانه روز در کنج خانه مشغول تر و خشک کردن تولید کنندگان ارزش اضافه است. به این روال، زن خانواده کارگری و زحمتکش که عمرش را در کنج خانه و در خدمت همسر و فرزندان با کار نابود کننده خانگی می گذراند نیز به تشکل نیاز دارد. بنابراین زنان طبقه کارگر به دو دسته تشکل نیاز دارند: تشکل حرفه ای و تشکل محله ای. تشکل محله، تشکل اجتماعی مورد نیاز زنان خانه دار زحمتکش است. این زنان در چنین تشکل هایی می توانند نیروی ابتکارات و فعالیت جمعی خود را به میدان آورند و به اتفاق هم راههای ایجاد بهبود در زندگی شان را پیدا کنند. از این دست تشکل های محله ای که حضور زنان شاخص آنهاست، در محلات حاشیه ای بعضی شهرهای بزرگ منجمله تهران پیش از این وجود داشته اند. یکی از مهم ترین خاصیت های این نوع تشکل برای زنان خانه دار زحمتکش این است که می تواند به مرور، و هر چند در سطحی محدود، بخشی از کار خانگی خصوصی را به کار عمومی شده و اجتماعی تبدیل کند، در عین این که دیگر وجوه فعالیت های جمعی به ویژه از نوع فرهنگی و آموزشی را باز نمی نهد. این تشکلی است از جنس همان سازمان ها و انجمن ها و تعاونی ها و باشگاههای فرهنگی و هنری و ورزشی و آموزشی و صندوق های همیاری، که همواره تشکل های اقتصادی طبقه کارگر را تکمیل کرده و ابزار همبستگی کارگری در جامعه بوده اند، و به کرات با تامین نیازهای مصرفی خانواده های کارگران پشت جبهه اعتصابات کارگری را هم تشکیل داده اند. یک خصوصیت دیگر این نوع فعالیت اجتماعی محله ای این است که در شرایط اختناق و استبداد، هم می توانند پا گیرند و تداوم یابند.

این متن را بر مبنای سخنرانی ام در برنامه ویژه هشت مارس کانون همبستگی با مبارزات انقلابی مردم ایران (گوتنبرگ - سوئد) در ۲ مارس ۲۰۲۴ تنظیم کرده ام. سارا سالمی - ۱۰ مارس ۲۰۲۴





گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

در هشتم مارس ۱۸۵۷، زنان کارگر کارگاه‌های پارچه‌بافی و لباس دوزی در نیویورک آمریکا به خیابان‌ها ریختند و خواهان افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط بسیار نامناسب کار شدند. این تظاهرات با حمله وحشیانه پلیس روبرو شد.

این سرآغازی بود تا زنان، سازمان یافته در دفاع از حقوق و مطالبات خود در عرصه های مختلف، پرچمدار مبارزه شوند.

مبارزات زنان در تمامی عرصه ها همچنان ادامه دارد، مبارزه برای رهایی از تمامی قوانین ارتجاعی، عقب مانده، مرد سالارانه و مناسبات استثمارگرانه نظام سرمایه داری.

رها شدن از قوانین ضد زن، عقب مانده، مردسالارانه، تا رها شدن از ستم و استثمار نظام سرمایه، به یک جنبش سراسری نیاز دارد، جنبشی متشکل از زنان و مردان برابری طلب.

۸ مارس روز جهانی زن، بر زنان و تمامی انسان های مدافع آزادی و برابری، گرامی باد.

#نان_کار_آزادی
#شادی_رفاه_آبادی
#نابود_باد_استثمار_و_کار_مزدی

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

گرامی باد روز جهانی زن

مبارزات و دستاوردهای طبقه کارگر، و مشخصا زنان کارگر و جنبش های برابری طلبانه و آزادبخواهانه از جمله جنبش «زن زندگی آزادی» به ما آموخته اند که نباید اجازه ی اصل و فرع ساختن از مطالبات زنان و دیگر گروههای تحت ستم بدهیم.

مستقل از هر آینده ای که در انتظار جامعه ما باشد، علاوه بر برابری حقوقی و قانونی زن و مرد و کلیه اقلیتهای جنسی و جنسیتی، حق انتخاب و آزادی پوشش و برابری فرصت های تحصیلی، شغلی، اجتماعی، هنری، و در درون کلیه تشکلات صنفی، مدنی و سیاسی از ملزومات اولیه حرکت پایدار به سمت احقاق حقوق پایمال شده ای زنان، و در نهایت جامعه ای انسانی تر و عادلانه تر است.

گرامی باد ۸ مارس، روز جهانی زن

رهایی زن رهایی جامعه است

زنان زندانی آزاد باید گردند

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۸ اسفند ۱۴۰۲ برابر با ۸ مارس ۲۰۲۴

"گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن"

از اعتراض زنان نساج نیویورک، در سال ۱۸۷۹ علیه دستمزدهای اندک و ساعات کار طولانی، سال ها می گذرد. این مبارزات بعد از آن نیز در همه جای دنیا با افت و خیزها و البته دستاوردهایی همچنان ادامه داشته است.

مبارزات زنان در ایران نیز، برای رفع تبعیض و به دست آوردن حقوق برابر با مردان، از دوران مشروطه تا به امروز به اشکال مختلف ادامه داشته و دستاوردها و هزینه های زیادی به همراه داشته است.

در دوره اخیر جنبش اعتراضی زنان در ایران توانسته است به جایگاه ویژه ای دست پیدا کند. این جنبش نه تنها به آزادی حق پوشش و حق کنترل بر بدن و رفع تبعیض و نابرابری پرداخته، بلکه همچنین به مسئله آزادی های اجتماعی و سیاسی نیز توجه ویژه ای نشان داده و به همین دلیل نیز توانسته است ضمن مطرح شدن در ابعاد جهانی، به جنبشی گسترده و اجتماعی تبدیل شود و حمایت بخش های وسیعی از مردم را به خود جلب نماید.

سال هاست که زنان کارگر و معلم و پرستار، اعم از شاغل و بازنشسته، همگام با مردان، نسبت به دستمزدهای اندک و شرایط بسیار نامناسب و تبعیض آمیز کار دست به اعتراض و مبارزه زده و به عنوان بخش وسیعی از طبقه کارگر ایران، توانسته اند نقش پررنگ و چشمگیری، در مبارزات این طبقه ایفا نمایند. در طول این سال ها، جنبش های اعتراضی زنان در ایران، چه در قالب مبارزات آزادیخواهانه و رفع تبعیض و چه در چهارچوب مبارزات عدالت طلبانه و طبقاتی، کم و بیش رو به اتحاد و شکوفایی بیش تر بوده و بیش از پیش ضرورت سازماندهی و تشکل یابی را همراه با تلفیق کار مخفی و علنی برجسته کرده است.

زنان ایران و به ویژه زنان کارگر نه تنها برای دستیابی به خواسته هایی نظیر حق انتخاب پوشش؛ حق کنترل بر بدن، از جمله حق پیشگیری از بارداری و یا پایان دادن به آن به صورت قانونی، امن و رایگان؛ حق آزادی سفر و امنیت تردد در مکان های عمومی، از جمله ورزشگاه ها؛ حق طلاق و سرپرستی فرزند، رفع تبعیض از اقلیتهای جنسی و جنسیتی؛ توقف قتل های ناموسی از طریق تغییر قوانین و برخورداری از خانه های امن برای زنان آسیب دیده و در معرض خطر، به رسمیت شناختن روز جهانی زن و درج آن در تقویم های رسمی کشور و حق برگزاری مراسم روز جهانی زن، مبارزه

کارگران جهان متحد شویم!

می کنند، بلکه همچنین خواهان لغو قوانین اعدام و قصاص، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی بیان و از بین رفتن سانسور، لغو قرار دادهای موقت، برخورداری از شغل مناسب و دستمزدی متناسب با سبب معیشت؛ برخورداری از بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار و جویای کار، برخورداری از حقوق اجتماعی نظیر آموزش و بهداشت رایگان و خدمات رفاهی از قبیل مهدکودک ها، رختشویخانه ها و غذاخوری های رایگان می باشند. برخی از این خواسته ها در کوتاه مدت و برخی دیگر تنها طی مبارزات طولانی به دست می آیند.

به راستی که آزادی زنان در هر جامعه، نشان دهنده میزان رشد آزادی های سیاسی و اجتماعی در آن جامعه است و آزادی واقعی زنان و رفع تبعیض کامل از آنان تنها در جامعه ای عاری از ستم و استثمار ممکن خواهد شد.

این خود واقعی است که همسو شدن و ادغام مطالبات آزادیخواهان زنان با مبارزه طبقاتی، می تواند گام بزرگی در جهت دستیابی هرچه بیش تر به این مطالبات و رسیدن به آزادی و برابری باشد.

ما زنان در دنیای وارونه سرمایه داری به آزادی و برابری کامل دست نخواهیم یافت و چاره ای جز دگرگونی بنیادین این جامعه نداریم.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد شکل های کارگری.

اسفند ۱۴۰۲



بیانیه گروه اتحاد بازنشستگان

به مناسبت بزرگداشت ۸ مارس روز جهانی زن

از آن هنگام که زنان کارگر پارچه بافی و لباس دوزی های نیویورک (1857) علیه شرایط مشقت بار کار، مزد اندک و ساعات کار طولانی و ستم مضاعف، خیابان های نیویورک را با اعتراضات خود به لرزه انداختند، بیش از یک قرن و نیم می گذرد اما مبارزه سراسری و مشترک زنان برای رهایی از ستم، نابرابری، تبعیض، فقر، خشونت و سرکوب در ابعاد جهانی همچنان بی وقفه در حال پیشروی است. امسال جنگ و حملات مرگبار اشغالگران در غزه فلسطین و دیگر جنگ های نیابتی در جهان، ۹۰۰۰ زن را تاکنون تنها در غزه قربانی ساخته است و موجی فاجعه بار از کشتار، خشونت، آوارگی، عدم دسترسی به امکانات بهداشتی درمانی، آب، غذا و گرسنگی مفرط را به ویژه دامنگیر زنان و کودکانشان نموده است. همچنین امسال در شرایطی روز جهانی زن را پیش رو داریم که زنان معترض ایران با قتل فجیع و ظالمانه آرمیتا گراوند نوجوان دانش آموز و پیش از آن مهسا امینی و صدها زن دیگر، تمام قد و قاطعانه علیه ابعاد گسترده ستم و سرکوب و زن ستیزی همچنان می خروشدند و شجاعانه مقابل خیل سرکوبگران تاریک اندیش، به قیمت حتی جان، تحمل زندان و شکنجه، عقب ننشستند. زنان و دختران معترض، آگاه و آزاده ای که همچون نیکاه، ساریناها و حدیث ها بر حق زندگی با رفاه، آزادی و شادی برای جامعه شان ایستادگی می نمایند.

زنان با تجربه همزمان ستم و استثمار، توان مقابله و مبارزه را در برابر شرایط ظالمانه حاکم در تمامی ابعاد به عمل اجتماعی سوق داده اند و پایداری جنبش های سراسری جاری کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان و سایر عرصه ها، فعالانه در صف نخست و در تمامی مناطق حضوری فعالانه و موثر دارند و در زمینه خواست ها و محرومیت های بیشمار و ویژه خود همواره به شرایط نابرابر و سراپا تبعیض آمیز حاکم «نه» گفته اند:

فقر زنانه و بیکار سازی ها، تبعیض در دسترسی به حق تحصیل و مشاغل، تحمیل مزدهای ناچیز و نابرابر در ازای کار یکسان، و نیز در زمینه اشتغال و بازنشستگی و حقوق و مزایای اجتماعی، زنان وضعیت بدتری نسبت به مردان دارند. علاوه بر این موقعیت نابرابر زن و مرد در امر طلاق، نگهداری و تربیت فرزندان، سرپرستی خانواده، وجود چند همسری و صیغه، ازدواج اجباری کودکان و پدیده «کودک همسری» - «کودک مادری»، مجازات های وحشیانه و اجرای احکام قرون وسطایی اعدام، حجاب

کارگران جهان متحد شویم!

اجباری، نابرابری در ارث بری، در امر شهادت و قضا، حق مسافرت و کار کردن، فعالیت های هنری و ورزشی و غیره و غیره تنها بخشی از ستم هایی است که بر زنان وارد می شود. انجام کار مضاعف و سنگینی کار اسارت بار خانگی که سرمایه داری و دولت ها با انداختن وظایف خود بر گرده زنان از مسئولیت ها و هزینه های خدمات رسانی، شانه خالی می نمایند، و نیز فشار مدیریت فقر و فلاکت فزاینده حاکم بر خانوارهای زحمتکش، پیوسته ضربات جسمی و روحی جبران ناپذیری بر زنان تحت انواع خشونت ها وارد می آورد. تحت حمایت های قانونی و شرعی مردسالارانه، افزایش روزافزون آمار خشونت، خودکشی، «زن کشی» و قتل های «ناموسی» همچنان تکان دهنده و فاجعه بار است. دولت، مذهب و نیروهای واپس گرا در جهت منافع خود بدن زنان را به انقیاد کشیده و حق مالکیت و تصمیم برای بدن و حق انتخاب سبک زندگی دلخواه را از زنان سلب نموده اند. تداوم سلب آزادی ها، محدودیت ها، ممنوعیت ها، سرکوب، بازداشت و به بند کشیدن زنان معترض و مبارز نیز همچنان جریان دارد...

اما واقعیت این است که زنان آگاهانه و مصمم نشان داده اند که به رغم تلاش سرکوبگرانه حکومت ها و مرتجعان، نیرویی تاثیرگذار در تحولات رو به پیش جامعه خود هستند؛ چرا که نیمی از آن بوده و حذف شدنی نیستند. این نیروی عظیم چه در پیکره جهانی و چه در ایران تا تعیین تکلیف نهایی سرنوشت و ابعاد همه جانبه زندگی خود و سایر مردم ستمدیده، از مبارزه مستمر و خیابان ها پا پس نخواهند کشید!

گرامی باد ۸ مارس (۱۸ اسفند) روز جهانی زن!

۱۷ اسفند ۱۴۰۲

گروه اتحاد بازنشستگان



بیانیه:

۸ مارس؛ روز گرامی‌داشت مبارزات زنان

هشت مارس، که در تقویم جهانی روز زن نام گرفته، گرامی‌داشت نخستین اعتراض‌های سازمان‌یافته‌ی زنان جهان و سرآغاز مبارزه‌ای است که بیش از صدوپنجاه سال از عمر آن می‌گذرد. مبارزه‌ای پرفراز و نشیب و پیرامنه که در گذر زمان از خواست بهبود شرایط اسفناک کار، به نبرد با محرومیت و تبعیض و نابرابری در همه‌ی عرصه‌های اجتماعی رسید و با دست‌آوردهایی که در حوزه‌های گوناگون آموزش و اشتغال و سیاست به ارمغان آورد هم پایه‌های سرمایه را به لرزه انداخت و هم ضربه‌هایی سهمگین به دیوار مردسالاری زد.

واقعیت البته نشان می‌دهد که نه نظام سرمایه دست از تکاپوی بهره‌کشی از زنان برداشته است نه مردسالاری دیرینه، و هر دو - گاه با هم‌دستی و گاه در رقابت - پیوسته راه‌هایی تازه جست‌ه‌اند تا پابرجا بمانند و حتی مواضع از دست‌رفته را باز پس گیرند.

با این همه، برگ تازه‌ی تقویم تاریخ که این سال‌ها به همت زنان ایرانی ورق خورد یک بار دیگر به جهانیان گوشزد کرد که عرصه‌ی مبارزه برای دستیابی به زندگی و حقوق شایسته‌ی انسانی پیوسته رزم‌آورانی تازه می‌یابد که با شیوه‌های نو به میدان می‌آیند.

زنان آزادی‌خواه ایرانی که سال‌ها برای رهایی از قید استبداد و سنت‌های ارتجاعی جنگیده بودند در سال ۵۷ نخستین قربانیان حاکمیت واپس‌گرای مذهبی بودند و به چشم خود دیدند که چگونه اندک حقوق‌شان که از پس چندین دهه مبارزه به دست آمده بود به‌سادگی بر باد رفت و سرکوب سیستماتیک زنان به شکل‌های گوناگون از جمله تحمیل حجاب گسترش یافت. بنابراین راهی جز ادامه‌ی مبارزه باقی نمانده بود. از این رو نخستین تشکل‌های مردمی، فعال‌ترین و اثرگذارترین‌شان را زنان به راه انداختند. و پس از سرکوب همه‌ی این سازمان‌ها در دهه‌های بعدی نیز هرگز میدان مبارزه از زنان شایسته‌ی آزادی خالی نماند. برخی بی‌پرده و پروا حتی با نثار جان به پیش تاختند و دیگرانی با ایستادگی در برابر عرف و سنت دست به نبردی زدند که زیر پوست جامعه جریان یافت و گام به گام و نسل به نسل پیش رفت تا سرانجام به نام مهسا (ژینا)، که ستم‌کارانه به قتل رسید، با فریاد «زن زندگی آزادی» در خیابان‌ها طنین‌انداز شد. فریادی چنان فراگیرنده که از یک سو مردانی از پیر و جوان را به همراهی برانگیخت تا گواهی دهند که نظام ستم و سلطه‌ی مردانه بار دیگر، جایی دیگر، ترک برداشته است و از سوی دیگر توانست بسیاری را در سراسر کشور برای برچیدن بساط ستم و سرکوب و سانسور راهی خیابان‌ها کند. زنان آزاده‌ی ایرانی - از روزنامه‌نگار، شاعر، نویسنده و هنرمند تا دانشجو، دانش‌آموز، کارگر و خانه‌دار - نشان دادند که به‌رغم تهدیدها و بازداشت‌های مکرر، به‌رغم وجود انواع شکنجه در زندان‌ها که اخبارش بیرون می‌آید، به‌رغم احکام سنگین حبس و اعدام که با شدت و شماری افزون‌تر جریان داشته است، با وجود محرومیت‌های اجباری از تحصیل یا امکانات تأمین معاش و از مبارزه دست بر نخواهند داشت.

کانون نویسندگان ایران با بزرگداشت خاطره‌ی مهساها، نیکاه‌ها و آرمیتاها که جان عزیزشان در این راه فدا شد، این روز تاریخی را به تمامی زنان و مردان آزادی‌خواه شادباش می‌گوید - به‌ویژه به زنان شجاعی که حتی در بند یا زیر سایه‌ی تهدید آن نیز برای آشکار کردن تباهی

کارگران جهان متحد شویم!

قلم می‌زنند زیرا دریافته‌اند که «آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثنا برای همگان» ضرورتی انکارناپذیر برای تحقق و پاس‌داشتِ زندگی شایسته‌ی انسانی است.

کانون نویسندگان ایران

۱۷ اسفند ۱۴۰۲ (۷ مارس ۲۰۲۴)

بیانیه شورای هماهنگی به مناسبت

۱ مارس نماد قدرت بی‌قدرتان

روز جهانی زن برای مردم ایران معنایی ویژه دارد.

تاریخ معاصر ایران نشان داده است که هر تغییری در ایران لزوماً از شکستن قشربندی‌های جنسیتی عبور می‌کند.

از طاهره قرةالعین قزوینی، سردار بی‌بی‌مریم‌بختیاری، زنانی که در رکاب ستارخان - به ضرورت زمانه - لباس مردانه پوشیدند و در صف مجاهدین آذربایجانی جنگیدند، انجمن‌های مخفی و عیانی که در عهد مشروطه‌خواهی شکل گرفتند و تاریخ بیش از یک صد ساله‌ی مبارزه زنان ایران با استثمار و ارتجاع را ساختند... تا غریب‌آزادی‌خواهی زنان پیشتاز، در قیام ژینا ۱۴۰۱ نشان داده است که نیرویی عظیم در این قشر تحت ستم تاریخی نهفته است که هر گاه حتی اندکی از آن آزاد شود، بشارت تغییری شگرف را می‌دهد.

زنان پیشتاز در گستره‌ی تاریخ معاصر ایران و جهان به خوبی درک کرده‌اند که علاوه بر ستم مضاعفی که در طول اعصار بر آنها روا داشته شده است، سرنوشتشان به سرنوشت دیگر اقشار و طبقات تحت ستم جامعه پیوند خورده است. نقطه عطف این پیوند، اولین مراسم روز زن است که برای یادبود اعتصاب «اتحادیه جهانی زنان کارگر صنایع پوشاک در سال ۱۹۰۸» برگزار شد. در آن اعتصاب ۱۲۹ تن از زنان کارگر در یک کارخانه نساجی در شهر نیویورک زنده زنده سوختند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، همراهی و حمایت خود را با همه‌ی اقشار تحت ستم ایران اعلام می‌دارد و آزادی و رهایی مردم ایران را در گرو آزادی و رهایی زنان و همه‌ی محرومان و ستم‌دیدگان از زنجیرهای ظلم و بیداد و بهره‌کشی می‌داند. ما بر این باوریم که رهایی طبقات محروم و تحت ستم جامعه بدون آزادی و رهایی زنان ممکن نیست.

زن_زندگی_آزادی

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

اطلاعیه مشترک ۱۷ نهاد چپ و دمکراتیک

در آستانه ۸ مارس ۲۰۲۴

همگام با مبارزات جنبشهای اجتماعی، علیه تبعیض و نابرابری!

امسال در شرایطی به استقبال سالگرد ۸ مارس روز جهانی زن میرویم، که زنان در ایران هنوز تحت تبعیض و سرکوب حاکمیت طبقه حاکم قرار دارند. جمهوری اسلامی در ایران با بکار بردن قوانین قرون وسطایی ضد زن، بیشترین تبعیض جنسی و طبقاتی را بر زنان روا داشته و آنها را از نظر اقتصادی-سیاسی و اجتماعی در موقعیت درجه دوم قرار داده است. جمهوری اسلامی از همان آغاز کار، دوران سرکوب همه جانبه در جامعه را با تعرض به حقوق زنان آغاز کرد و به مدت بیش از چهار دهه هر یورش به موقعیت زنان را پیش درآمد سرکوبهای همه جانبه تری در جامعه قرار داده است.

امروز نمی توان از روز جهانی زن سخن به میان آورد بدون آنکه به زنان کارگر پرداخت. آنچه اهمیت این روز را برجسته میکند و گرامی میدارد، مبارزات صدها زن کارگر کارگاه های نساجی نیویورک، روز ۸ مارس ۱۸۷۵ بود که در اعتراض به دستمزدهای پائین، ساعات کار طولانی، شرایط غیر انسانی کار و نداشتن حق رای، دست به اعتصاب زدند، در یک نبرد طبقاتی و خونین خواستها و مطالبات خود را به بورژوازی تحمیل نمودند و از یمن این مبارزات بود که این روز به نام ۸ مارس روز جهانی زن نامیده شد.

توده های کارگر و زحمتکش که حداکثر جامعه را تشکیل میدهند در اثر گرانی سرسام آور و تورم کمر شکن با فقر و تنگدستی دست و پنجه نرم میکنند. بر متن بیکاری گسترده و فقدان امنیت اجتماعی امکان متشکل شدن را سخت نموده، تهیدستی و فقر گریبان شمار روز افزونی از زنان را گرفته است. بر پایه این بی حقوقی های گسترده، زنان در معرض آسیب های اجتماعی اند. پدیده هایی به نام "زنان خیابان خواب"، "کارتن خواب"، "دختران فراری" گسترش یافته اند، تن فروشی و تجارت سکس، کودک همسری و صدور زنان به کشورهای همسایه فزونی یافته است. آمار جنایتهای ناموسی و خشونتهای خانگی بالاتر رفته، خودکشی و خودسوزی زنان جوان، سر تیر رسانه های خبری است. زنان سرپرست خانوار که در تمامی این چهل و پنج سال ستون استوار خانواده بوده اند، از هیچ امکان و حمایت نه تنها برخوردار نبوده اند بلکه با مشکلات دو چندان مسکن و معیشت روبرو هستند.

اما در برابر این تبعیضها و نابرابریها زنان هم ساکت ننشسته اند، صدای اعتراض آنها رساتر شده است. زنان مقاومت و مبارزه فردی و جمعی را به اشکال گوناگون و با سر سختی ادامه میدهند. در زندانها جنایتکاران جمهوری اسلامی را با مقاومت و استقامت خود مستاصل نموده اند و گاهی دست به اعتصاب غذا می زنند. طبقه حاکم در ایران در طول اعتصابات و اعتراضات کارگری، تجمعات اعتراضی معلمان، بازنشستگان، وکلا، خبرنگاران و پرستاران با فریاد زنان مبارز روبرو است. به میدان آمدن زنان کارگر و خانواده های کارگری زنگ خطری برای رژیم است، که اعتراض زنان از اعتراضات در جمع های کوچک و یا پراکنده صدها قدم بجلو رانده شده و امروز در متن یک جنبش واقعی و اجتماعی که زنان نصف جمعیت آن را تشکیل میدهند، سازمان می یابند. یک بخش از طبقه مان در قامت زنان بازنشسته در کنار هم طبقه ای های مرد در خیابانها بر علیه نابرابریها و بهبود معیشت خود فریاد میزنند و رژیم را به چالش می کشند، یک بخش در زندانها همصدا و همسو با مبارزات بیرون در مقابل سرکوبگران به مقاومت و مبارزه میپردازند. خیزش "زن زندگی آزادی" با شجاعت و از خود گذشتگی زنان و دختران جوان کل دستگاه حاکم را به لرزه در آورد و در مقابل دژخیمان سرمایه داری حاکم سینه سپر کرده و با دستان خالی در مقابل آنان ایستادگی شایانی در سراسر کشور صورت گرفت و صدای آزادی خواهی زنان در ایران به گوش جهانیان رسید و از حمایت و همبستگی وسیعی از افکار عمومی برخوردار گشت. مبارزات زنان در ایران در حین حال الگوی برای مبارزه زنان دیگر کشورها نیز گردیده است. رژیم گرچه بطور وحشیانه به بمباران شیمیایی مدارس دخترانه، حمله به خوابگاههای دختران دانشجو، تیراندازی به چشم دختران و پسران، دستگیریهای وسیع، حمله به کردستان و بلوچستان و... را پیش برد، اما موفق نشد مقاومت و اعتراضات را به سکوت بکشاند. مقاومت استوار دانش آموزان و دانشجویان دختر و مقاومت پر استوار مادران دادخواه، مادران اعدامیان و مادران زندانیان در برابر کل دستگاه حاکمه لرزه بر بنیانشان انداخته است.

امروز جنبش زنان و جنبش زنان کارگر در مسیری دارد حرکت میکند که هر چند با موانع جدی و سرکوب روبرو است اما در مبارزه خود بدون هیچ توهم به نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی نوک حمله مبارزاتی خود را متوجه تغییرات ساختاری نظام نموده است. چالش مبارزاتی حاکم در عرصه های مختلف از خیابان گرفته تا زندانها، دانشگاهها، مدارس و بیمارستانها و... توده زنان تحت ستم را در سطح وسیعی به میدان آورده است.

امروز جنبش کارگری و جنبش زنان به این واقف هستند بدون اتکاء به حرکت توده ای حتی توان حفظ دستاوردهایی که تا کنون برای آن مبارزه نموده و بهای سنگینی هم پرداخته اند بدست نخواهد آمد.

از این رو مبارزه متشکل و سراسری جنبشهای اجتماعی در ایران، قدرت آنچنان تغییر و تحولی را دارد که دیگر جنبشهای اجتماعی و اقشار تحت ستم از آن بهره مند گردند. بهمین

کارگران جهان متحد شویم!

دلیل، اتحاد جنبش زنان با کارگران در هر عرصه از مبارزه اجتماعی یک ضرورت تاریخی است. مطالبات رفاهی و اقتصادی زنان مانند حق اشتغال و متحقق نمودن آن، بیمه های اجتماعی، دستمزد برابر در ازای کار برابر، امنیت شغلی و پایان دادن به کارهای نیمه وقت، مقاطعه کاری و قراردادهای سفید امضاء و دست یابی به آزادیهای سیاسی و اجتماعی، و در نهایت خلاصی از هر ستم جنسیتی و طبقاتی بدون متشکل شدن زنان و مردان کارگر و تعرض به مناسبات سرمایه داری و لغو مالکیت خصوصی قابل تحقق نیست.

امروز مبارزات جنبش کارگری و بویژه جنبش زنان با اتحاد و اجتماعی شدن بسویی میروند تا افقی را برای خود تعریف کند که نه فقط آزادی و برابری برای خود بلکه برای کل جامعه را به همراه داشته باشد.

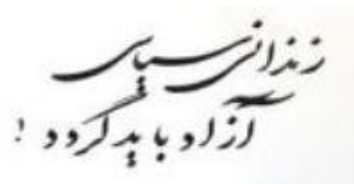
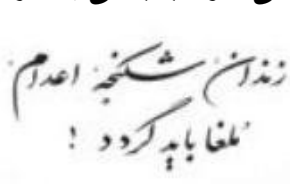
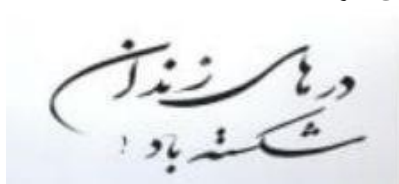
گرامی باد هشت مارس روز جهانی زن!

پیش بسوی ایجاد تشکلهای مستقل زنان!

سرنگون باد نظام حاکم زن ستیز!

امضاء های رسیده به ترتیب حروف الفبا:

- ۱- انجمن دفاع از زندانیان سیاسی- عقیدتی در ایران - پاریس
- ۲- اتحاد چپ ایرانیان - واشنگتن
- ۳ - انجمن پناهندگان ایرانی گوتنبرگ- سوئد
- ۴- انجمن سوسیالیستها در سوئد
- ۵- شورای همبستگی ایرانیان با روژاوا- استکهلم
- ۶- شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران.
- ۷- کانون پشتیبانی از مبارزات مردم ایران- وین
- ۸- کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ
- ۹- کانون همبستگی با مبارزات کارگران در ایران - فرانکفورت.
- ۱۰- کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران-سوئیس.
- ۱۱- کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد .
- ۱۲- کمیته همبستگی با مبارزات جاری در ایران - استکهلم.
- ۱۳- کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران- استرالیا.
- ۱۴- نهاد همبستگی با جنبش کارگری در ایران(غرب آلمان).
- ۱۵- همبستگی با مبارزات مردم ایران- سوئیس.
- ۱۶- همبستگی با مبارزات مردم ایران - لندن.
- ۱۷- همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران-فرانسه



نامه ۱۱ زندانی سیاسی زن از اوین

مرئی کردن آپارتاید جنسیتی می‌تواند در مسیر مبارزه علیه تبعیض و ستم راهگشا باشد هشت مارس که یادآور تاریخ مبارزاتی زنان در بیش از صد سال گذشته است، روز همبستگی جهانی در راه تحقق برابری میان زنان و مردان و مبارزه علیه تمام اشکال ستم، استثمار و تبعیض حقوقی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است و این آرمان و همبستگی در تمام جهان و مختص سرزمین خاصی نیست. هشت مارس از اینرو فرصتی برای یادآوری و گرامیداشت مبارزات پیشین و آگاهی‌بخشی و دستیابی به راهحلی جمعی است. بعد از جنبش "زن، زندگی، آزادی" فضای هشت مارس رنگ و بوی دیگری به خود گرفته است و هر روز در جامعه به ویژه در میان نوجوانان و جوانان جاری است. به طور اخص جنبش سال گذشته نشان داد که در کنار حجاب اجباری، به عنوان تلاقی‌گاه حذف زنان از حوزه عمومی و سپهر اقتصادی، سیاست و انکار حق آدمی بر بدن خویش، مبارزات تاریخی زنان دغدغه خیل عظیم مردم ایران است. چراکه این مبارزه در کنار اعتراض به حجاب اجباری انگشت اتهام خود را به سوی به تمام تبعیض‌ها و ستم‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، انتی‌کی و مذهبی که از سوی حاکمیت اعمال می‌شود، می‌گیرد. مجموعه قوانین و اعمال ضد زن، چنان ابعاد پیدا و پنهان و چنان سرشت نظامندی دارد که در تار و پود جامعه کنونی در هم تنیده شده است و در خاورمیانه به ویژه در ایران و افغانستان، در زیر سایه حاکمیت‌های به شدت سرکوبگر و ارتجاعی شکل ویژه‌ای به خود گرفته است. بخشی از توصیف و تبیین این وضعیت ویژه علیه زنان و دیگر اقلیت‌های جنسی و جنسیتی درگرو تشریح و تبیین مفهوم آپارتاید جنسیتی است. این مفهوم از نهادینه بودن سلطه گروهی بر گروه دیگر و همزمان اعمال تبعیض شدید و نظامند از سوی قانون و حاکمیت بر زنان و اقلیت‌های جنسی و جنسیتی سخن می‌گوید و کلیت رژیم‌های ارتجاعی حاکم بر آن‌ها را به تصویر می‌کشد. از این رو مرئی کردن آپارتاید جنسیتی می‌تواند در مسیر مبارزه علیه تبعیض و ستم راهگشا باشد. اما به این موضوع آگاهی که تا دستیابی به آزادی، رهائی و برابری راه درازی در پیش است. با همبستگی، روشنگری، آگاهی و تشخیص هم‌سرنوشتی می‌توانیم به پیروزی در این نبرد تاریخی امیدوار باشیم.

زنده باد هشت مارس روز جهانی زنان

نسیم سلطان‌بیگی
آنیشا اسداللهی
مهوش ثابت
نرگس محمدی
سپیده قلیان
ویدا ربانی
گلرخ ایرانی
جوانا سنه
پخشان عزیزی
فریبا کمال‌آبادی
محبوبه رضانی

زندان اوین، اسفند ۱۴۰۲

قطعه‌نامه روز جهانی زن

- ۱- برابری کامل حقوق زنان و مردان در همه عرصه های زندگی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و جنسیتی و . . . و لغو هر نوع قوانین زن ستیزانه و جنسیتی ، که زنان را از دستیابی به حقوق خویش در عرصه های مختلف محروم می نماید .
- ۲- برخورداری از حق اعتصاب، اعتراض و حق ایجاد تشکلهای مستقل زنان و آزادی های دموکراتیک .
- ۳- اعمال هرگونه خشونت علیه زنان اعم از آزارجنسی و فیزیکی، آزارهای روحی، تحقیر، جنسیتی، ملی، قومی و توهین نوع رفتار غیرانسانی جرم محسوب شود، مبارزه و توقف خشونت خانگی.
- ۴- لغو قرار دادهای موقت کار، که بیشترین فشارها و پیامد های آن ، مستقیم یا غیر مستقیم متوجه زنان محروم و تحت ستم جامعه خواهد بود .
- ۵- هرگونه جدا سازی میان زنان و مردان در اجتماعات و مکانهای عمومی ممنوع باید گردد.
- ۶- فرهنگ مردسالار پدیده ای غیر انسانی است و تبعات ناشی از آن از جمله قتلهای ناموسی و سنگسار جنایت محسوب میشود و مسببین آن باید بر اساس قوانین انسانی محاکمه شوند.
- ۷- آزادی انتخاب حق مسلم هر انسانی است و تحمیل هر نوع فشار اعم از ازدواج اجباری، تعدد زوجات، ازدواج زیر سن ۱۸ سال منسوخ باید گردد.
- ۸- کار خانگی به منزله شغل تلقی شود، در نظر گرفتن دستمزد و حقوق ماهیانه، برای زنان خانه دار که به کار شبانه روزی ، تکراری و طاقت فرسای خانگی مشغولند و برخورداری از حق استفاده از مزایای بیمه های اجتماعی و برخورداری از مهد کودک رایگان برای این بخش از زنان .
- ۹- زنان باید از آزادی انتخاب پوشش، حق مسافرت آزاد، حق تحصیل، انتخاب شغل، انتخاب همسر و سایر حقوق اولیه خود برخوردار باشند و هر نوع پوشش اجباری ممنوع میباشد.
- ۱۰- تأسیس خانه های امن برای زنان آسیب دیده در جامعه و حمایت های ویژه بهداشتی و روانی و آموزشی و حرفه ای از آنان .
- ۱۱- دستمزد برابر در ازای کار برابر برای زن و مرد شاغل.
- ۱۲- حقوق زنان کارگری که در طول مدت کار ، در صد حق بیمه آن ها ، از حقوق شان کسر شده است ، در صورت فوت باید عیناً مثل مردان ، به فرزندان آنان تعلق گیرد.
- ۱۳- حمایت از تمامی جنبش های آزادیخواهانه و برابری طلب و جلوگیری از بازداشت، محاکمه ، تهدید و تعقیب فعالین جنبش های اجتماعی.
- ۱۴- پدیده ی زنان و کودکان خیابانی و بی شناسنامه از پیامدهای نظام سرمایه داری است و برخورداری کودکان از زندگی سالم از حقوق انکار ناپذیر آنان است.
- ۱۵- ازدواج موقت شکلی از تن فروشی است و باید ممنوع شود.

کارگران جهان متحد شویم!

۱۶- برخورداری از حقوق و مزایای کامل برای هر نوع بازنشستگی پیش از موعد ، از جمله بازنشستگی با ۲۰ سال سابقه کار .

۱۷- لغو فوری هرگونه شکنجه و اعدام، آزادی فوری زندانیان سیاسی و عقیدتی .

۱۸- مهاجرین و پناهندگان، کودکان و زنان از حقوق برابر برخوردار باشند و مانند دیگر شهروندان شامل تمامی امکانات باشند.

۱۹ - آموزش و درمان رایگان برای همگان و تامین معیشت همگانی.

...

۸ مارس روز جهانی زن، تعطیل رسمی باید باشد!

پیروز باد تشکل مستقل زنان

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن

پیش بسوی جهانی عاری از استعمار و ستم جنسیتی



اهمیت تشکل یابی در مبارزات کارگری و تحقق آلترناتیو کارگری

از دو دهه گذشته مبارزات کارگران در ایران گسترش داشته است. طی این سالها مبارزات فراگیر شده و بخش های مختلف مراکز کارگری را در بر گرفته است. مبارزه برای امنیت شغلی، دریافت حقوق معوقه، بهبود شرایط کار، افزایش دستمزد و دریافت انواع پاداش و نیز ایجاد تشکل های مستقل کارگری در زمره مطالباتی بوده است که در تجمعات و راهپیمایی ها و اعتصابات کارگری بیان شده است. مبارزات کارگری طی این سالها، با توجه به فراز و نشیب آن، از تجارب زیادی برخوردار شده است. سطح مبارزات بالاتر رفته، مطالبات روشن تر شده و اتکا به نیروی اجتماعی خود گسترش پیدا کرده است. ایجاد تشکل های مستقل و سازماندهی برای تحقق مطالبات، تجارب موثری را در میان کارگران و نیز دیگر بخش های جامعه از سر گذرانده است. با اتکا به چنین تجاربی انواع خیزش های اجتماعی استبداد حاکم سرمایه داری در ایران را نشانه رفته اند. اگرچه این خیزش ها با نیروی سرکوب و کشتار و اعدام هر بار فروکش کرده اند ولی شرایط عینی ناشی از وضعیت معیشتی و نیز انواع مطالبات اجتماعی گسترش مبارزات را به همراه داشته است که خود نقش مهمی در از کار انداختن نیروی سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و تشدید بحران سیاسی سرمایه داری را در پی داشته است.

با وجود افزایش سطح مبارزات کارگری و اکنون گسترش آن به مراکز کلیدی نفت و گاز و صنایع فولاد و بیمارستانها و در حالی که اعتراضات بازنشستگان سراسری تر و هماهنگ تر شده است، نه تنها هیچ تغییری در جهت بهبود شرایط معیشتی حاصل نشده است، بلکه انواع قوانین ضد کارگری از تغییرات در قوانین کار به نفع صاحبان سرمایه گرفته تا افزایش سن بازنشستگی تصویب و اجرا شده است. هیچ درجه از افزایش مزد صورت نگرفته و با وجود حجم عظیم سرمایه که حاصل نیروی کار در ایران است، کارگران در ایران از پایین ترین سطح مزد در جهان و نیز منطقه برخوردار هستند. در حالی آموزش و بهداشت و درمان و مسکن پر هزینه تر شده است که کارگران از هیچ خدمات اجتماعی برخوردار نیستند. نیروی کار ارزان در ایران بیشترین سود را نصیب صاحبان صنایع و افزایش حجم سرمایه در ایران را در پی داشته است که ناشی از شدت استثمار در ایران است.

کارگران جهان متحد شویم!

در چنین شرایطی و بهر درجه که سرمایه داری در ایران از طریق ایدئولوگهایش در اطاق بازرگانی خود را سازماندهی می کند و بهر درجه از طریق ارگانهای سرکوب و تفرقه در مبارزات کارگران مانع سازماندهی کارگران می شود، شرایط برای استثمار نیروی کار در ایران تشدید می شود. در برابر چنین روندی پیشروی مبارزات کارگری در گرو چیست؟ لازمه آن مبارزه است که دست به نقد موجود است. در این مبارزات آحاد کارگران در گیر در آن آنگاه به نیروی خود متکی می شوند، آنگاه از آگاهی طبقاتی برخوردار می شوند که مبارزه را متشکل و با نیروی جمعی پیش ببرند.

نهادهای کارگری که از درون مبارزه ایجاد می شوند به آن نیروی اجتماعی تبدیل می شوند که می توانند توازن قوای اجتماعی موجود را تغییر داده انواع سیاست های سرمایه داری را به عقب رانده و به مطالبات خود نایل شوند. هر درجه از رشد و گسترش تشکل های اجتماعی کارگران در محیط کار و زیست افق مبارزات سراسری و ایجاد تشکل های سیاسی را می گشاید. این آن مسیری است که می تواند آحاد کارگران را به صورت طبقه ای اجتماعی متکی بخود در دسترس کل جامعه قرار دهد و کارگران و جایگاهشان در تولید نیازهای مادی جامعه را از نیرویی بالقوه به نیروی بالفعل مبدل کند.

آلترناتیو کارگری به عنوان آلترناتیویی که در دسترس مطالبات کلیه بخش های تحت ستم و استثمار جامعه است چنین شکل می گیرد. آلترناتیو کارگری طبقه کارگر متشکل است. ما که درگیر چنین مبارزه ای هستیم و منافع خود را به آن گره زده ایم ضروری است خود را متشکل کنیم و با استفاده از توانایی ها و امکانات موجود نیازهای چنین مبارزه ای را پاسخ دهیم!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

اسفند 1402 - فوریه 2024



کارگران جهان متحد شویم!

میزان دستمزدها رابطه مستقیمی با انسجام طبقاتی کارگران دارد

طی دو سال گذشته مطالبه افزایش دستمزدها به مطالبه محوری اعتراضات نیروی کار در کشور تبدیل شده است. این مطالبه در مواردی مانند اعتراضات کارگران پروژه ای و یا کارکنان بخش های مختلف پتروشیمی ها و کارگران صنایع نفت و گاز به شکلی مستقیم بیان شده و در موارد دیگری مانند اعتراضات بازنشستگان، پرستاران، معلمان و یا بخش هایی از کارگران در مراکز صنعتی با مطالباتی نظیر اجرای نظام هماهنگ دستمزدها و یا اجرای طرح طبقه بندی، بیان شده است.

امروز بخش اعظم نیروی کار مستقیماً به مبارزه ای تهاجمی برای ارتقا سطح زندگی وارد شده است، مبارزه ای که پیروزی در آن نه تنها بر زندگی طبقه کارگر تاثیر به سزایی دارد، بلکه مستقیماً زندگی میلیونها نفر را تحت تاثیر قرار میدهد و فضای عمومی جامعه را نیز دگرگون خواهد کرد.

از آنجا که نیروی کار، اکثریت جمعیت کشور را تشکیل میدهد، افزایش دستمزد پایه کارگر مطابق با هزینه های جاری زندگی، بر درآمد خانوارهای سطوح دیگر جامعه نیز تاثیر مستقیم دارد و باعث بالا رفتن موج وار دریافتی گروههای دیگر شاغلین خواهد شد. ناگفته نماند، افزایش سطح رفاه اجتماعی که مستقیماً با میزان دستمزد پایه کارگر مرتبط است، از عوامل مهم در تغییر شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است.

با افزایش رفاه و گذر از دغدغه های ابتدایی زیستی، میزان دخالتگری اجتماعی و سیاسی افراد در زندگی اجتماعی نیز افزایش یافته و زمینه های بسیاری از آسیب های اجتماعی موجود نیز که خود مانعی بر سر راه مبارزه برای جهانی عادلانه هستند نیز از میان خواهد رفت، و این همه مستقیماً به قدرت، گستردگی و سازمان یافتگی طبقه کارگر در مبارزه بر سر افزایش دستمزدها، ارتباط دارد.

به این دلیل که میزان دستمزدها رابطه مستقیمی با میزان سود سرمایه داران دارد، این مسئله عموماً به یک جدال دائمی میان کارگران و کارفرمایان تبدیل میشود. سرمایه داران با همه ابزارهای اجرایی، قانونگذاری و سیاسی تلاش میکنند تا از شکلگیری یک صف متحد کارگری در مبارزه بر سر دستمزد جلوگیری کنند.

بنا به گفته مقامات رسمی در ایران، هم اکنون سهم دستمزد در قیمت تمام شده کالاها و خدمات حدوداً معادل 7 تا 9 درصد است، با توجه به اینکه دستمزد پایه کارگر ایرانی یکی از پایین ترین دستمزدهای جهان به شمار میرود، به خوبی میتوان دریافت که چرا سرمایه داران از هیچ تلاشی برای حفظ وضع موجود کوتاهی نمیکند. سرمایه داران ایرانی با پایین نگاهداشتن سهم دستمزد در قیمت تمام شده کالاها و خدمات از یکسو و افزایش قیمت کالاها و خدمات متناسب با تورم داخلی و جهانی از سوی دیگر علاوه بر تحمیل فقر و تنگدستی به نیروی کار کشور، به مافوق سودی دست می یابند که شکاف طبقاتی در ایران را به دره ای گسترش یابنده تبدیل کرده است.

تجربه کارگران کشورهای مختلف نشان داده است، به هر درجه که کارگران در تشکلهای طبقاتی خود متشکل شده باشند، از قدرت چانه زنی بیشتری بر سر تعیین دستمزدها برخوردار هستند، چرا که تعیین میزان دستمزدها مستقیماً به قدرت اجتماعی طبقه کارگر بستگی دارد.

هر ساله برای تعیین حداقل دستمزد سالیانه، دولت، تشکلهای کارفرمایان و فعالین کارگری، اعداد و ارقام متفاوتی را با روش های محاسباتی متفاوت ارائه میکنند، اما آنچه نهایتاً حداقل دستمزد را تعیین میکند نیازها و منافع سرمایه داران است. با توجه به شرایط عمومی جهان و شرایط اقتصادی متغیر کشور تکیه بر اعداد و ارقام مربوط به تورم و یا آمارهای اقتصادی که از ثبات درازمدتی برخوردار نیستند، نمیتواند مبنای قابل اتکائی برای تعیین حداقل دستمزد سالیانه کارگران باشد.

آنچه امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است پیوند زدن اعتراضات جاری برای افزایش دستمزدها به عنوان زمینه ساز حضور اجتماعی بخش های متفاوت نیروی کار کشور، با سازماندهی و ایجاد تشکلهای کارگری است. تشکلهای کارگری ضامن حضور قدرتمند کارگران نه فقط در عرصه تعیین دستمزدها بلکه در سایر عرصه های زندگی اجتماعی هستند.

**نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران
کارزار پشتیبانی از کارگران ایران
شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران**

بهمن 1402 - فوریه 2024

چکیده ای از تجربیات نهادهای همبستگی!

نهادهای همبستگی با تجربه 17 سال کار جمعی در فضایی سالم، با وجود نظرات متنوع، باشور و مشورت، بحث و تبادل نظر، حمایت از مبارزات کارگران در ایران را در صدر فعالیتهای خود قرار داد. طبیعتن این امر بدون احساس مسئولیت تمامی نهادها و اعضایش به هیچ وجه عملی نبود. تجربه شکل کار نهادهای همبستگی از آنجا که فعالیتهای و تصمیماتش جمعی و انعکاسی از مبارزات کارگران در ایران است، نشان داد که نمونه ای موثر در فعالیت متشکل و هدفمند است و می تواند با تکیه بر نیازهای عینی طبقه کارگر در مبارزه منجمله تشکل یابی و سازمانیابی اجتماعی مفید واقع گردد. نهادها با قرار دادن منافع طبقه کارگر در مرکز فعالیتهایش از فردگرایی، شخصیت سازی و گروه گرایی فاصله گرفته و عملکردش را بر گسترش اتحاد و همکاری حول منافع طبقه کارگر قرار داده است.

ظرف نهادهای همبستگی به ابتکار عملی فعالیتهای محلی، در شهرهای مختلف و از پائین تشکیل گردید. چنین روشی خود می تواند تضمینی برای پایداری و ادامه کاری تشکل های توده ای در محل کار و زندگی باشد.

طبیعتن جمع ما، با فراز و نشیب بیشماری در این سالها روبرو بوده و مباحث سختی را پشت سر گذاشته است، همچنانکه مبارزات کارگری در این سالها با مسائل بیشماری دست و پنجه نرم کرده است. اتکاء به منافع مستقل کارگران و ضرورت تشکل یابی کارگری در فعالیت هایمان راه ما را در رسیدن به اهداف تعیین شده هموارتر ساخته است.

رشد و گسترش مبارزات کارگران، پیشروی در اعتراضات و طرح خواسته ها و بالارفتن سطح آن طبیعتن مسئولیت سنگینتری را بردوش نهادهای همبستگی و یگرتشکل ها با رویکرد مبارزه طبقاتی قرار میدهد.

با توجه به شرایط و اوضاع سیاسی، مبارزات جاری کارگران و خیزش های اجتماعی، استراتژی و فعالیت نهادهای همبستگی بیش از پیش به تقویت تشکل یابی توده ای، سازمانیابی طبقه کارگروتنها آلترناتیو اجتماعی، آلترناتیو کارگری، گره خواهد خورد!

در زیر مصوبات نهادهای همبستگی که ماحصل تجربه جمعی متشکل است در اختیار شما قرار می گیرد.

متحد شویم!
متشکل شویم!
سازماندهی کنیم!

مصوبات

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

الف - اهداف و وظایف ما:

1. نهادهای همبستگی خود را جزئی از طبقه کارگر در ایران دانسته، دفاع از خواستهها، مبارزات و ایجاد تشکل های مستقل کارگری در همه اشکال آن را مهمترین وظیفه خود می دانند. انعکاس اخبار مبارزات کارگری و سایر جنبش های اجتماعی و جلب حمایت و همبستگی بین المللی، از دیگر وظایف نهادها می باشد.

2. نهادها در مقابل نظام سرمایه داری اسلامی و کلیه نیروهای ارتجاعی و ضد کارگری، شبه کارگری، امنیتی و عوامل آنها در سطح کشوری و همچنین سرمایه داری جهانی مرزبندی قاطع و روشن دارند و در افشا و جلوگیری از بهره برداری نیروهای ارتجاعی و نهادهای راست و امپریالیستی از مبارزات کارگری تلاش می کنند.

3. ارتباط گسترده تر جنبش کارگری ایران با جنبش بین المللی کارگری و جلب حمایت و همبستگی در سطح جهان از آن، از وظایف نهادهاست. دفاع از مبارزات ضد سرمایه داری در جهت منافع کارگران و توده های ستم دیده در سطح جهان به اشکال مختلف در دستور کار نهادها میباشد.

4. شرکت در مبارزه طبقاتی علیه نظام سرمایه داری و یاری رساندن برای ایجاد تشکلهای محل کار و زیست و تقویت آلترناتیو کارگری در ایران از فعالیتهای مستمر نهادهای همبستگی است.

5. نهادهای همبستگی برای حمایت و جلب همبستگی هر چه بیشتر با مبارزات کارگری در ایران، همکاری با نهادهای موازی در خارج کشور را جز فعالیتهای خود میدانند. برای تقویت هر چه بیشتر نیازهای جنبش کارگری در ایران، حق تشکل یابی، اعتراض و اعتصاب، افزایش مزد، برابری حقوق زن و مرد، امنیت شغلی، بیمه بیکاری و تامین اجتماعی و

کارگران جهان متحد شویم!

برخورداری از آموزش و بهداشت رایگان، لغو کار کودکان و دفاع از حقوق کارگران مهاجر و پناهندگان تلاش می‌ورزد.

6. کمک مالی به جنبش کارگری و خانواده های کارگران زندانی

ب - ارگان ها

نهادهای همبستگی فعالیت های خود را از طریق ارگانهای زیرمتحقق می کند :
مجمع عمومی اعضا، جلسات اعضا، هیئت هماهنگ کننده، کمیسیونها و گروههای کاری

- مجمع عمومی اعضا:

1- مجمع عمومی عالی ترین ارگان برنامه ریزی و تصمیم گیری نهاد های همبستگی است.
مجمع عمومی هر 6 ماه یک بار تشکیل می یابد. مجمع عمومی حضوری سالی یکبار برگزار میگردد.

2- مجمع عمومی بررسی گزارش های هیئت هماهنگ کننده، کمیسیونها، پیشنهادات، تغییر یا اصلاح وتکمیل مواد یا مبانی همکاری ها، بحث و بررسی بر سر اولویت های جنبش کارگری و بر مبنای آن برنامه ریزی فعالیت ها و انتخاب هیئت هماهنگ کننده آتی را بعهده دارد.

3- مجمع عمومی با حضور دو سوم نهادها رسمیت می یابد. حضور تمامی اعضا نهادها در مجمع عمومی ضروری است و افراد در آن دارای رای برابر هستند.

4- مجمع عمومی فوق العاده با در خواست نصف بعلاوه یک نهادها فراخوانده میشود.

5- بررسی و پذیرش تقاضای پیوستن افراد و نهادها به جمع نهادهای همبستگی، براساس قبول موازین مشترک و حداقل معرفی یک نهاد صورت می گیرد. تقاضا از طریق هیئت هماهنگ کننده برای همه نهادها ارسال می شود که در صورت توافق نصف به علاوه یک نهادها پس از مدت یک ماه، اجرا میشود.

تبصره 1 - در صورت ارائه سند از جانب نهادی در مورد عدم صلاحیت فرد و یا نهاد متقاضی عضویت، تصمیم گیری بر عهده مجمع عمومی اعضا میباشد.

تبصره 2 - وجود اختلاف بین دو تشکل از نهادها یا فعالین آنها در یک محل نباید مانعی برای فعالیت سراسری آنها در نهادها باشد.

تبصره 3 - نهادهای همبستگی یکی از تشکل هایی است که فعالین کارگری را بخود جلب کرده است و ضروری است در جهت اهداف طبقه کارگر با سایر تشکل ها در جهت همکاری و اتحاد عمل اقدام کند و هیچ مانع جانبی نبایستی در آن اخلاص کند. اختلاف فردی و یا سلیقه ای و غیره بین فعالین نبایستی بر متحد کردن مبارزات طبقه کارگر سایه اندازد.

6- حضور میهمان در مجامع عمومی:

- در مجامع عمومی نهادها به جز اعضا، میهمانان نیز می توانند شرکت داشته باشند.
- الف - فعالین و جمع هایی از داخل و خارج از کشور که با رای مجمع عمومی تصویب شده و از طریق هیئت هماهنگ کننده کتبا از آنها دعوت می شود.
- ب - مهمانان ضمن شرکت در مباحث مجمع از حق رای مشورتی برخوردار خواهند بود.

- هیئت هماهنگ کننده

1. مجمع عمومی برای هماهنگ کردن فعالیت ها، پی گیری مصوبات و برنامه ها 3 نفر را برای دوره ای شش ماهه تحت نام هیئت هماهنگ کننده از میان اعضای نهادها بر می گزیند.
2. هیئت هماهنگ کننده هر دو هفته یکبار تشکیل جلسه می دهد. در جلسات هیئت هماهنگ کننده تمام اعضا نهادها می توانند بطور مشورتی، شرکت داشته باشند.
3. هیئت هماهنگ کننده مجاز نیست به اقدامات یا برنامه هایی خارج از مصوبات مجمع عمومی و یا پیشنهادات رسیده، بپردازد. همچنین حق نقض و یا تغییر تصمیمات مجمع عمومی را ندارد. هر پیشنهاد به اطلاع تمامی نهادها برای بحث و تصمیم گیری ارسال میشود.
4. هیئت هماهنگ کننده با شرکت و درگیر شدن تمامی رفقا و تقسیم کار مناسب از طریق تشکیل گروه های کاری، فعالیت های عملی توافق شده را هماهنگ میکند.
5. گزارشات مجمع عمومی، مصوبات، بیانیه ها، اطلاعیه ها و اخبار تنها از طریق هیئت هماهنگ کننده منتشر می شود.
6. هیئت هماهنگ کننده برای پیشبرد فعالیتهای جمعی، دخالت مستقیم اعضا در شور و مشورت و توافقات، جلسات اعضای نهادها را فرامی خواند. تدارک و گزارش جلسات به عهده هیئت هماهنگ کننده می باشد.
7. هیئت هماهنگ کننده سه نفره، هر شش ماه یکبار در مجمع عمومی انتخاب می شوند.
8. مسئولیت انتشار اطلاعیه ها با هیئت هماهنگ کننده و با مکانیزم 48 ساعت گردش و نظرخواهی در درون نهادها می باشد.
9. مسئولیت ارسال به سایتها و سایر کانالهای مجازی بعهده هیئت هماهنگ کننده میباشد.

تبصره یک : اطلاعیه و بیانیه ها بایستی حتی الامکان کوتاه و روشن در چهارچوب مصوبات و سیاست کلی نهادها و بدون وارد شدن به مباحث پلمیک و نظری باشند.

تبصره دو: اطلاعیه ها بصورت پیش نویس برای اظهار نظر اعضا ارسال شده تا بتوانند پیشنهادات و اصلاحیات خود را در زمان تعیین شده ارسال نمایند.

تبصره سه: اگر نهادی مخالفت یا ملاحظه ای در مورد بیانیه و اطلاعیه داشته باشد، بایستی مورد اصلاحیه اش را مشخص نماید و ارائه دهد. چنانچه نهادی با کلیت بیانیه و اطلاعیه مذکور مخالف باشد، می باید اطلاع دهد، تا در صورت تمایل نهاد مربوطه در زیر اطلاعیه قید شود که این نهاد امضا کننده اطلاعیه نمی باشد. اگر نهادی در مورد اطلاعیه و یا بیانیه اظهار نظر ننمود، به معنی موافقت با بیانیه و یا اطلاعیه پیشنهادی است.

- کمیسیونها و گروه های کاری
برای عملی کردن تصمیمات و توافقات نهادهای همبستگی، کمیسیونها و گروه های کاری به شکل داوطلبانه از اعضا و افراد علاقمند تشکیل می گردند. کمیسیونها و گروه های کاری جمع مستقل و جدا از نهادها نیستند، بلکه زیر مجموعه نهادهای همبستگی برای پیشبرد فعالیت عمومی نهادها می باشند.

پ - ضوابط همکاری ها

1. نهادهای همبستگی جمعی متشکل و فراگرایشی است. نهادهای همبستگی مستقل از احزاب و سازمانهای سیاسی است و زیر مجموعه هیچ تشکلی نمی باشد.
2. مناسبات بین نهادهای همبستگی بر اساس شور و مشورت و توافقات جمعی است، مبنای عملی توافق ما تحقق اهداف جنبش کارگری می باشد. مناسبات در درون نهادها بر شفافیت، صداقت و صراحت استوار است.
3. نهادها در سطح محلی برای پیشبرد فعالیتهای خود از استقلال عمل برخوردارند. نهادها در صورت عدم توافق با فعالیت معینی، ملزم به اجرای آن نیستند.
4. تصمیم گیریها بین نهادها بر اساس تفاهم، اعتماد متقابل، احترام، بحث و اقناع می باشد. در صورتی که نیاز به رای گیری باشد، توافق نصف به علاوه یک اعضای شرکت کننده در نشست هاضوری است.
5. شرکت افراد و نهادها در فعالیتهای داوطلبانه است.
6. انتشار اسناد و گزارشات نهادها در صورت نیاز، به عهده مجمع عمومی است.
7. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری جمعی متشکل از نهادها و افراد است. نهادهای همبستگی سعی در وسیعتر کردن حمایت از مبارزات جنبش کارگری دارد و در این جهت از ایجاد تشکلهای همبستگی استقبال میکند.
8. هرگونه فعالیت به نام نهادها و یا حضور در تجمعاتی که مغایر با فعالیت و اهداف نهادها باشد، تصمیم گیری حول آن به مجمع عمومی ارجاع داده می شود.
9. نهادها علاوه بر فعالیتهای روزمره در تقویت مبارزات جنبش کارگری، برنامه های عملی و روتین در رابطه با اول ماه مه، سالگرد کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت، سالگرد کشتار کارگران خاتون آباد، هشت مارس، کمپین برای آزادی کارگران زندانی، لغو شکنجه و اعدام و آکسیون در ژنو در زمان اجلاس سازمان جهانی کار و ... در دستور کار خود دارد.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



بهمن 1401 - فوریه 2023
<https://t.me/nahadhayehambastegi>